

تأثیر تشویق فرزند در تربیت

کبری نیازمند^۱، محدثه رحیمی^۲، سکینه ابراهیمی^۳، زهرا ابراهیمی^۴

^۱کارشناسی ارشد، علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد

^۲سطح دو حوزه علمیه الزهرا سلام الله علیها شده

^۳سطح دو حوزه علمیه الزهرا سلام الله علیها شده

^۴سطح دو حوزه علمیه الزهرا سلام الله علیها شده

چکیده

تشویق، یکی از عواملی است که سبب رسیدن کودک به کمال می شود. این موضوع از ابعاد مختلفی همچون: انواع، آثار، و اصول تشویق برخوردار است. لکن این نوشتار به بررسی نقش تشویق در تربیت کودک با نگاهی به آیات قرآن کریم و نهج البلاغه پرداخته که هدف از آن، شناخت آثار تشویق در تربیت کودک است تا بتوان از این طریق در جهت بهبود رفتار و اعمال کودکان گام مثبتی برداشت و در آن به مفهوم و آثار تشویق در تربیت کودک نیز پرداخته شده است. روش این تحقیق از نظر هدف، کاربردی و از نظر جمع آوری داده ها، کتابخانه ای (اسنادی) است. از یافته های تحقیق حاضر، می توان به این مورد اشاره کرد که تشویق، از ریشه شوق بوده و مصدر است؛ در لغت به معنای آرزومند کردن و در اصطلاح: ایجاد شور و شغف، حرکت و سرعت در مسیر انجام کار به طور کامل و نیکو است. در صورت رعایت این شرایط، این آثار بر آن مترتب می شود: عامل بازدارنده از تخلفات، تقویت ایمان در فرزند، احساس موفقیت، دلگرمی و نشاط.

واژگان کلیدی: آثار، تشویق، تربیت، کودک

۱- مقدمه

دوران کودکی در زندگی انسان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و شالوده شخصیتی در همین دوران پی‌ریزی می‌شود. انسان باید چنان تربیت شود که با دوری کردن از ردایل، استعدادهای عالی‌ه روحی و ملکوتیش شکوفا شده، به کمالات و فضایل آراسته شود و استعداد و لیاقت قدم نهادن در آستان ربوبی را کسب کرده و با وصال به حق، به سعادت جاویدان برسد مسئله تربیت، مسئله حیات و ممت ملت‌هاست که بنای آن در خانواده گذاشته می‌شود و در جامعه و مدرسه به کمال می‌رسد. از جمله روش‌های تربیت، تشویق است. تشویق، یکی از عواملی است که سبب رسیدن کودک به کمال می‌شود. ائمه اطهار، بزرگان دین و صاحب‌نظران در امر تعلیم و تربیت، در باب تشویق مباحثی را مطرح نموده‌اند. این موضوع را می‌توان از مباحث مرتبط با علوم تربیتی دانست که از ابعاد مختلفی همچون: انواع، آثار، و اصول تشویق برخوردار است. لکن این نوشتار به بررسی نقش تشویق در تربیت کودک با نگاهی به آیات قرآن کریم و نهج‌البلاغه پرداخته است.

تشویق، از ریشه شوق و مصدر است (حاجی بابائیان امیری، ۱۳۸۸، ۲۷۸)؛ در لغت به معنای آرزومند کردن (دهخدا، ۱۳۴۳، ۱۴، ۷۱۹ و معین، ۱۳۷۹، ۱، ۱۰۸۸ و پرهیزگار ۱۳۸۳، ۱۳۳) و در اصطلاح: ایجاد شور و شغف، حرکت و سرعت در مسیر انجام کار به طور کامل و نیکو است (احمدی، ۱۳۷۷، ۱۰)

این منظور تشویق را «نزاع النفس الی الشی» (نفس را به سوی چیزی کشاندن) معنا کرده است. (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۱۰، ص ۱۹۲؛ فراهیدی، ۱۴۰۹، ۵، ص ۱۸۴) «در فرهنگ عمید، معانی برای این کلمه ذکر شده است: «دلگرم کردن، به شوق آوردن، راغب کردن، کار کسی را ستودن». (عمید، ۱۳۶۰، ص ۳۲۱). به طور کلی، معنای تشویق در زبان فارسی به دو صورت آمده است: ۱. کاری که بعد از

انجام عملی مطلوب انجام شود تا فرد مذکور به ادامه عمل و تکرار آن دلگرم شود؛ ۲. کاری که انجام می‌شود تا فرد را برای انجام یا استمرار کار، ترغیب و دلگرم سازد، خواه قبل از انجام عمل باشد یا بعد از آن. تشویق در زبان عربی، فقط در معنای دوم به کار می‌رود (داوودی، ۱۳۸۹، ۲، ص ۱۶۵)

۲- روش تحقیق:

روش تحقیق حاضر از نوع کیفی بوده و شیوه گردآوری داده‌ها مبتنی بر شیوه کتابخانه‌ای و اسنادی می‌باشد.

۳- یافته‌های پژوهش:

از تربیت تعاریف متعددی به عمل آمده است که به ذکر پاره ای از آنها پرداخته می‌شود. واژه تربیت یعنی پرورتن، پروراندن، پرورش دادن (عمید، ۱۳۷۸، ص ۴۲۵). از دیدگاه فنیسکس تعلیم و تربیت جریانی است که به وسیله آن افرادی با قصد و اراده رشد افراد دیگر را هدایت می‌کنند. (ماهر و زاده به نقل از شریعتمداری، ۱۳۷۸، ص ۴۹). اتحادیه بین المللی آموزش و پرورش نو تربیت را عبارت می‌داند از فراهم کردن رشد حتی الامکان کامل توانائی‌های هر شخص به عنوان فرد و نیز به عنوان جامعه ای مبتنی بر همبستگی و تعاون (بابائیان امیری، ۱۳۸۸، ص ۲۰) همچنین ایجاد زمینه مناسب برای پرورش استعدادهای درونی هر موجود و به ظهور و فعلیت رساندن امکانات بالقوه موجود درون او را نیز تربیت می‌نامند (بادامی، ۱۳۸۸، ص ۶۰). پس تربیت پرورش دادن استعدادهای انسانی است که البته شامل پرورش جسم هم می‌شود. (مطهری، ۱۳۷۸، ص ۵۶۴). از نظر لغوی واژه تربیت با توجه به ریشه آن به معنای فراهم کردن موجبات فزونی و پرورش است و از این رو به معنای تغذیه طفل به کار می‌رود اما علاوه بر این تربیت به معنای تهذیب نیز استعمال شده که به معنای زدودن خصوصیات ناپسند اخلاقی است. (باقری، ۱۳۸۵، ص ۵۲).

اهمیت تشویق

در مکاتب الهی انسان به عنوان موجودی دو بعدی در نظر گرفته می‌شود و این مساله در ادیان مختلف و در متون دینی به طور آشکار یا غیر مستقیم بیان شده است. حال این دو جنبه مادی و غیر مادی در وجود آدمی هر یک دارای مقتضیات خاص خود هستند. همان طوری که جسم انسان برای زنده بودن نیازهایی دارد و پیوسته به خاطر رفع آن‌ها تکاپو و فعالیت می‌کند، روح او نیز نیازهایی دارد که باید تأمین گردد. بلکه تأمین نیازهای روح بسی مهم‌تر می‌باشد. به عبارتی دیگر پرورش قوای عقلانی، فکری، روحی و تحصیل فضایل اخلاقی مانند، صداقت، پاک دامنی، امانت

داری، طهارت و خلاصه آنچه به انسانیت انسان مربوط است، همگی از نیازهای ضروری روح است که تحقق آن‌ها نیازمند به کارگیری روش‌های تعلیم و تربیت است؛ و تشویق از امور مهم تربیت است. انسان به طور فطری علاقه به احترام دارد. هر انسانی دوست دارد که شخصیت خود را کامل کند و منتظر است که دیگران به شخصیت وی پی ببرند و قدر شناسی کنند؛ و چنانچه مورد تحسین قرار گیرد بیشتر به خوبی متمایل می‌گردد. لذا تشویق دیگران، عامل محرک او محسوب می‌شود و این به معنی واقع شدن در راه تکامل است (صادقی، ۳۱۳۱، ص ۳۱۱). در سایه تشویق می‌توان فرد را به کارهای مطلوب و داشتن و عملکرد او را به راه صحیح هدایت کرد. قدردانی در عین حال که ساده‌ترین و ارزاترین روش است، دارای آن چنان اثر و نیروی اعجاب انگیزی است که می‌تواند به فرد یا جامعه حیات تازه‌ای ببخشد، و استعدادهای آن را برای فعالیت‌های نوین شکوفا کند. پس به طور طبیعی بخل از تشویق و خود داری از آن یکی از موانع پیشرفت و تکامل است. کودکی که به تازگی کار خوبی را یاد گرفته در اثر تشویق به آن کار خوب ادامه می‌دهد. جوانی که از لحاظ عقل و احساس به مرحله حساسی رسیده و در آستانه استقلال زندگی قرار می‌گیرد، برای پیشرفت و افزایش تلاش بیش از هر چیز به قدردانی و تشویق نیاز دارد. کارمندی که در انجام مسئولیت خویش موفق بوده با تشویق مناسب دلگرم شده و پشتکار پیدا می‌کند. کارگزار یک حکومت با تشویق بجا گام‌های بیشتری در راستای اهداف آن حکومت بر میدارد و... بزرگترین ضربه ای که بر نیروهای جوانان وارد می‌شود تحقیر شخصیت و بی‌اعتنائی به کارها و ارزش‌های واقعی آن‌ها است، زیرا وقتی احساس کنند شخصیت و یا اقدامات آنان مورد بی‌توجهی واقع شده، و نتیجه تلاش و زحماتشان اصلاً به حساب نمی‌آید و فاقد ارزش است، ناراحت شده، نیروهای در حال رشد آنان به یک نوع رکود و توقف دچار می‌گردد و حس اعتماد و امید به آینده را از دست می‌دهند؛ و حتی ممکن است در معرض ابتلا به بیماری‌های روانی قرار بگیرند، زیرا وقتی میلی ارضاً نگرید مطابق قانون معروف روانی، در قسمت ناخود آگاه ذهن مدفون گردیده و عقده‌ی نامطلوبی تشکیل می‌دهد که روح و جان را می‌کاهد. پس به یاد داشته باشیم یک جمله‌ی تحسین آمیز، تأثیر عمیقی در روحیه‌ی فرد می‌بخشد و ممکن است با دگرگونی و تحول روحی ناشی از آن، تمام عمر خویش را صرف تلاش‌های جدی برای کسب پیروزی و موفقیت کند. بسیاری کسان که موفقیت‌ها و پیشرفت‌های خود را مدیون تحسین و قدردانی افراد بزرگ می‌دانند، و اگر تحسین آن‌ها نبود، هرگز از نردبان ترقی بالا نمی‌رفتند. برای همین در میان ملل پیشرفته جهان برای بزرگداشت شخصیت‌های بارز و ممتاز اهمیت خاصی قائلند و این موضوع به صورت‌های گوناگونی انجام می‌گیرد. غیر از عده ای کمی از انسانها، همه حتی بزرگسالان، به تشویق نیاز دارند. در اصل رقابت‌ها و تلاش‌ها از این طریق شکل می‌گیرد. پیدایش روحیه‌های شاد و بر طرف شدن ناسازگاریها از همین تشویق و تقدیرها مایه می‌گیرد. تشویق عامل وادار کننده است و به انسان نیرو و انرژی می‌دهد و بر روی افراد دیگر نیز اثر داشته و در آنها انگیزه‌ی کار ایجاد خواهد کرد. بنابراین با تشویق است که میتوان یک سازمان و یا یک جامعه را فعال و به حرکت درآورد. همین طور عدم وجود سیستم تشویق در هر مجموعه‌ای، به زوال آن کمک خواهد کرد. هر کدام از این مطالب، به نوبه‌ی خود اهمیت تشویق را نمایان می‌سازد (شفیعی و سامری، ۳۱۳۱، ص ۳۳۱)

انواع تشویق

به طور کلی از ۴ طریق می‌توان کودک را تشویق کرد. هر کدام از این روش‌ها، یکی از ابعاد وجودی کودک را در بر می‌گیرد و بخشی از نیازهای او را تأمین می‌کند. برای تقویت رفتارهای کودک بهتر است از هر چهار نوع پاداش در موقعیت‌های مختلف و همراه با یک سبک فرزندپروری مناسب استفاده شود.

پاداش و تشویق احساسی

توجه به کارهای خوب کودک و دیده شدن از نیازهای او است و والدین باید با محبت با فرزندانشان خود رفتار کنند زیرا رفتار محبت آمیز و برخورد مودبانه با کودک در پرورش روحی و تربیت اخلاقی کودک بسیار موثر است به طوری که خداوند متعال در قرآن کریم خلق و خوی پیامبر اکرم (ص) و رفتار کریمانه پیامبر را ستوده و مورد تحسین قرار داده و می‌فرماید: «أَنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقِي عَظِيمٍ»، سوره قلم، آیه ۱. و حقیقتاً تو دارای خلق و خوبی والا هستی.

در آغوش گرفتن کودک، تماس چشمی، لبخند زدن، نوازش کردن و بوسیدن از بارزترین روش‌هایی است که والدین به کودک محبت تزریق می‌کنند. گاهی در جمع برای اینکه مستقیم کودک را مرکز توجه قرار ندهید، می‌توانید با چشمک زدن‌ها یا لبخندهای رمزی بین خودتان، تایید و

توجه را به او بدهید. ایجاد اعتماد به نفس در کودک کاملاً به عهده خانواده است و اگر لطمه ای به اعتماد به نفس او وارد شود به سختی قابل جبران است.

در زمان تشویق باید کاملاً دقت شود که کودک بخاطر کارهای درست و پیشرفت‌ها مورد تشویق قرار می‌گیرد. اگر برای آرام کردن قیل و قال‌های کودک یا ممانعت از رفتار اشتباه به او پاداش توجه و نوازش بدهید، او در موقعیتی متعارض قرار گرفته و اعتبار و اقتدار والدین ممکن است خدشه دار می‌شود و کودک لوس می‌شود در همین زمینه خداوند در قرآن کریم تشویق و تنبیه را بر اساس اعمال افراد به آنان وعده می‌دهد: «مَنْ حَسِبَ أَنَّ الرَّحْمَنَ بِالْغَيْبِ... وَ لَدَيْنَا مَزِيدٌ» (سوره ق، آیه ۱۹-۱۱) و بهشت را برای متقین نزدیک گردانند.

پاداش و تشویق کلامی

پاداش کلامی یکی از مهم‌ترین و موثرترین نوع تشویق و پاداش است. کودک یا به طور کلی انسان‌ها در هر سنی نیاز به شنیدن تعریف و تایید دیگران دارند. این مورد، مخصوصاً در مقابل دیگران، به اعتماد به نفس و عزت نفس کودک بسیار کمک می‌کند و باعث ایجاد حس مفید بودن و ارزشمندی در او می‌شود.

در این نوع پاداش سعی کنید رفتاری که باعث پاداش کلامی می‌شود را برای کودک توضیح داده و کاملاً رفتار را توصیف کنید. دقت کنید به کوچک‌ترین تلاش‌ها و پیشرفت‌های کودک توجه کنید و به آن‌ها پاداش دهید تا رفتار برای کودک به عادت تبدیل شود. سپس به مرور زمان می‌توانید پاداش آن رفتار را کم و قطع کنید. چرا که آن رفتار در کودک نهادینه شده و دیگر نیازی به تقویت ندارد. اما خوب است هر از گاهی همان رفتار تشویق شود.

پاداش و تشویق مادی به کودکان

این نوع پاداش شامل وسایلی است که کودک به آن علاقه دارد و همیشه از آن لذت می‌برد. اسباب بازی، لوازم تحریر، لباس، خوراکی و حتی پول. ترجیحاً در این روش پاداش دهی لوازم و چیزهایی که کودک نیاز دارد به عنوان پاداش داده شود. کودک باید برای رسیدن به این پاداش تلاش کند و بهترین شیوه جدول ستاره‌ها یا پاداش‌های ژتونی است.

پاداش و تشویق تفریحی یا فعالیتی

تفریحات مورد علاقه کودک نیز می‌تواند به عنوان پاداش استفاده شود. در این مورد باید تفریحاتی که برای کودک لذت محسوب می‌شود مد نظر قرار بگیرد نه چیزهایی که والدین فکر می‌کنند لذت بخش است. برای مثال؛ پارک بردن، بازی مورد علاقه و یا خوردن یک بستنی می‌تواند به عنوان تشویق کودک استفاده شوند.

آثار تشویق

۱- برانگیختن احساس موفقیت در فرد

تجربه عملی بشر ثابت کرده است که هیچ عاملی به پیروزی انسان به اندازه خود پیروزی، یاری نمی‌رساند. کودکان هنگام انجام دادن کار یا رفتاری بیشتر خواهد کوشید که در آن کار، احساس پیروزی و کامیابی کند. اگر مادری بخواهد شوق و علاقه ی پایداری در فرزندانش پدید آید، باید گام به گام، موفقیتی را که بدست آورده اند، به آنان یادآوری کند.

منظور از موفقیت این نیست که بی درنگ و در یک زمان، فرزندان به هدف نهایی خود دست یابند، بلکه منظور ما، پیشرفت تدریجی به سوی هدف مطلوب است. اگر فرزند بر اثر تشویق، شماری از مراحل موفقیت را به تدریج بیاموزد و یقین کند که در آن مراحل، پیروز شده است، خواهد کوشید با علاقه ی فزون تری، مراحل دیگر را تا رسیدن به هدف نهایی بیاموزد. بنابراین، به دست آوردن موفقیت، از پاداش - که از عوامل برونی تشویق است - اهمیت بیشتری دارد. (ر، ک: بیست اصل تربیت، علی محمدرفیعی محمدی، انتشارات رسول اعظم (ص)، چاپ ششم، زمستان ۱۳۸۹، ص ۱۶۲).

۲- ایجاد انگیزه در فرزندان

کودکان و فرزندان نیز مانند همه انسان ها طبعاً کمال جو و دوستدار پیشرفت و ساختن دنیای بهتر برای خود هستند و برای رسیدن به این پیشرفت، به انگیزه نیاز دارد، زیرا انسان برای انجام هر کاری باید به این سه نکته توجه کند:

۱ شناخت: باید آن کار را بشناسد.

۲ انگیزه: باید برای انجام آن کار انگیزه ی کافی داشته باشد. (نیروی روانی او را به انجام آن کار بکشانند)

۳ حرکت: باید برای آن کار، حرکت با کمال داشته باشد. (با بهره گیری از نظام ماهیچه‌ای و عصبی خود، فعالیت انجام دهد.)

این سه مورد تکمیل کننده ی همدیگر برای دستیابی به پیشرفت است. تشویق، انگیزه و نیروی لازم را برای انجام یک کار در اختیار فرد می‌گذارد. تا فرد تشویق نشود، انگیزه و نیازی برای رسیدن به پیشرفت در او پدید نمی‌آید. همه دانشمندان، مخترعان و مردان بزرگ از تشویق آموزگار، پدر و مادر یا دوستان خود بهره‌مند بوده‌اند. (سید محمد باقر؛ حجتی، اسلام و تعلیم و تربیت، نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۸، ص ۲۲۸-۲۲۹)

۶ تشویق موجب رغبت و دلگرمی و نشاط و تحرک می‌شود و انسان را به جدیت وادار میکند. انسانی که مورد تشویق قرار بگیرد احساس آرامش و رضایت خاطر و اعتماد به نفس می‌کند برای جدیت بیشتر و تحمل دشواری‌ها آماده می‌گردد. (سیری در تربیت اسلامی، دلشاد طهرانی، ص ۳۲۲)

۳- پرورش انسانی

برخی از روان شناسان بر این باورند که استعدادی ارثی در انسان‌ها وجود دارد که بر اساس آن، افراد نسبت به کسانی که با آنان رفتار محبت آمیز دارند، با محبت رفتار می‌کنند و این محبت و تشویق، آنان را در مسیر تربیت درست، هدایت میکند. به کارگیری شیوه های تشویقی، به عنوان سنت عملی، اخلاقی و تربیتی، از کودکان نیروهای، رشید، نیرومند، اثرگذار، آگاه و پر احساس و خدمتگزار می‌سازد. (تعلیم و تربیت اسلامی سید محمد باقر حجتی ص ۱۵۷)

۴- فراگیری دانش

اگر انگیزه یادگیری درس در دانش آموزان ایجاد شود آنان درس را به نحو شایسته تر فرا خواهند گرفت. البته در برنامه ریزی درس ها نیز باید دقت صورت گیرد. آزمایش‌هایی که درباره دانش آموزان با انگیزه و بدون انگیزه انجام گرفته است، نشان می‌دهد سرعت یادگیری دانش آموزانی که مورد تشویق قرار گرفتند از دانش آموزانی که تشویق نشدند بیشتر بوده است. (عبدالعلیم کریمی، تربیت آسیب زا، انتشارات انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۷۳، ص ۷۶-۷۷)

۵- فراگیری قرآن و معارف

کودک نسبت به آنچه به طور منظم در محیط خانواده می‌بیند، انس پیدا می‌کند و همین انس اولیه زمینه را برای پیدایش عادت و انجام فرایض دینی در مراحل بعدی، فراهم می‌آورد. دیدن آداب دینی و عبادت های مذهبی در محیط خانواده، در ذهن و روان کودک نقش می‌بندد و گونه‌ای انس روحی نسبت به معارف دین در او پدید می‌آید. اگر پیدایش این روحیه با تشویق پدر و مادر همراه شود، این معارف در روان فرد، نهادینه و آثار آن در رفتار او، پدیدار خواهد شد. (داوود حسینی، جایگاه تشویق و تنبیه در اسلام، ص ۱۲۲)

۶- تعمیق ارزش های دینی

یکی از سرمایه های فطری و ذخایر طبیعی که در باطن هر انسان به مقتضای حکیمانه الهی مستقر شده است انگیزه ی حب ذات است. هر انسانی قبل از هر چیز و هر کس، به خود علاقه دارد و بالفطره عاشق و شیفته خویشتن است و هیچ چیز در نظر آدمی به قدر خودش عزیز و محبوب نیست از سوی دیگر خداوند عشق به کمال مطلق و انزجار از نقض را در وجود انسان قرار داده است، به گونه‌ای که هر انسانی به صورت فطری متمایل به کامل تر شدن و پیشرفت است. تشویق باعث می‌شود کودک یا نوجوان از کار خودش احساس لذت کند و در او احساس رضایت به وجود آید. نتیجه این امر، مضاف شدن تکرار عمل است. تشویق موجب پیدایش نشاط و رفع کسالت در فرد می‌گردد و وقتی این حالت ایجاد شد، اشتیاقش برانگیخته شده و زمینه رشد و کمال بیشتری برای او فراهم می‌گردد. (داوود حسینی، جایگاه تشویق و تنبیه در اسلام، ص ۱۲۳)

اصول تشویق

تشویق باید مبتنی بر اصول و معیار و آداب باشد تا فلسفه خود را از دست ندهد در غیر این صورت نه تنها اثر تربیتی مطلوب از آنها حاصل نخواهد شد بلکه فرایند تربیت را دچار مشکل خواهد کرد در اینجا به ذکر پاره‌ای از این موارد می پردازیم.

۱ رفتار متناسب با شخص

تشویق نیز همانند هر کار دیگری باید طبق قانون و در چارچوب خاص خود به کار گرفته شود تا پیامدهای مطلوب خود را برجای گذارد با هر فرد باید به تناسب وزن و حالش رفتار کرد و به وسیله تشویق مناسب آن را هدایت نمود حضرت در نامه‌ای به مالک می فرماید:

وَلَا يَكُونَنَّ الْمُحْسِنُ وَالْمُسِيءُ عِنْدَكَ بِمَنْزِلَةِ سَوَاءٍ، ... الْأَسَاءَةُ، وَالزَّمُّ كَلَامٌ مِنْهُمْ مَا أَلَزَمَ نَفْسَهُ

هرگز نیکوکار و بدکار در نظرت یکسان نباشند... و هر کدام از آنان را بر اساس کردارشان پاداش ده (نهج البلاغه، نامه ۵۳، ص ۵۵۴)

در تربیت افراد باید به شخصیت و ویژگی های فردی مثل سطح دانایی فرد و خلق و خوی او و نحوه رفتار او توجه شود و بر اساس آن نوع برخورد و تشویق و تنبیه تعیین شود گاهی شخص دانا با نگاه یا تذکر جزئی پی به اشتباه خود می برد و گاهی نادان با تازیانه هم هدایت نمی شود.

«عُقُوبَةُ الْعُقَلَاءِ التَّلْوِيحُ، عُقُوبَةُ الْجُهَلَاءِ التَّصْرِيحُ» کيفر دادن خردمندان، به اشاره است و کيفر دادن نادانان به تصريح (سیدهاشم رسولی محلاتی، ترجمه غررالحکم و درر الکلم، ج ۴، ص ۳۶۲، ح ۶۳۲۸ و ۶۳۲۹)

بنابراین این شیوه تنبیه و تشویق هر کسی باید متناسب با شخصیت آن فرد باشد

۲ تعلق تشویق به رفتار نه به شخصیت فرد

تشویق باید به فعل و عمل نیک شخص تعلق گیرد تا محرک و تقویت کننده باشد و موجب خودبینی و خروج از اعتدال شخص نشود بلکه فرد را به سوی منازل و مراتب بالاتر ترغیب نمایند تنبیه نیز باید به کار بد تعلق گیرد به شخصیت فرد در غیر این صورت فرد و اثر تنبیه در معرض احساس حقارت قرار می گیرد چنانکه امیر مومنان علی علیه السلام فرموده اند «إِنَّ اللَّهَ سَبَّحَانَهُ وَضَعَ الثُّوَابَ عَلَى طَاعَتِهِ، وَالْعِقَابَ عَلَى مَعْصِيَتِهِ...»

همانا خدای سبحان پاداش را بر طاعت خود و عقاب را بر نافرمانی خود قرار داده است. (نهج البلاغه، حکمت ۳۶۸، ص ۷۰۲)

تشویق باید به جا و متناسب با میزان و نوع کار باشد نباید برای کار کوچک پاداش های بزرگ و تحسین های بیش از اندازه در نظر گرفت و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره فردی که از نافرمانی خانواده اش شکایت کرد بعد از امر به عفو و بخشش فرمودند اگر خواستی تنبیه کنید به اندازه

گاهی که کرده است مجازات کن. (ابراهیم امینی، آیین تربیت، چاپ سوم، قم: اسلامی، ۱۳۷۸، ص ۳۶۸)

۳ پرهیز از افراط و تفریط

تشویق باید به اندازه باشد تا اثرات منفی به جا نگذارد حضرت علی علیه السلام به این امر نیز اشاره دارند و آنجا که می فرماید:

«الْثَنَاءُ بِأَكْثَرِ مِنَ السُّتْحَاقِ مَلَقٌ وَالتَّقْصِيرُ عَنِ الْأُسْتِحْقَاقِ عِيٌّ أَوْحَسَدًا»

ستودن بیش از آنچه که سزاوار از نوعی چاپلوسی و کمتر از آن درماندگی یا حسادت است. (نهج البلاغه، حکمت ۳۴۷، ص ۶۹۸)

در مورد تنبیه هم باید سنجیده عمل کرد و به هیچ وجه از حد و مرز لازم تجاوز نکرد زیرا عملی طبیعیانه است و هرگونه بی دقتی فاجعه بار خواهد بود. (مصطفی دلشاد تهرانی، ماه مهر پرور، چاپ اول، تهران: خانه اندیشه جوان، ۱۳۷۸، ص ۵۶۴)

۴ ذکر علت و بیان استحقاق شخص

دلیل تشویق باید شفاف و روشن باشد تا شخص بداند در برابر چه کاری تشویق و یا تنبیه شده است این شیوه سبب می شود که وی به آن کار استمرار بخشد و یا از آن پرهیز کنند به عنوان نمونه امام علی علیه السلام در قردانی از اهل کوفه علت را چنین می فرماید: جزاکم الله من اهل مصر عن

اهل بیت نبیکم احسن ما یجزی العالمین بطاعته والشاکرین لنعتمه فقد سمعتم واطعتم ودعیتم فاجبتم.

خداوند شما مردم کوفه را از سوی اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله پاداش نیکو بهترین پاداشی که به بندگان فرمانبردار و سپاسگزاران نعمتش عطا می فرماید زیرا شما دعوت را شنیدید و اطاعت کردید به جنگ فرا خوانده شدید و بسیج گردیدید. (نهج البلاغه، نامه ۴۱، ص ۵۳۰)

۴- نتیجه گیری

در راه آموزش و سازندگی کودکان و برای پیشبرد برنامه‌ها و رسیدن به اهداف و مقاصد تربیت، حضرت علی (علیه‌السلام) تشویق را بسیار مؤثر می‌دانند و چنانچه این روش به طور صحیح عملی شود آثار مفیدی بر روی کودکان خواهد داشت. در رابطه با سؤال اول، تشویق، از ریشه شوق و مصدر است؛ در لغت به معنای آرزومند کردن و در اصطلاح: ایجاد شور و شغف، حرکت و سرعت در مسیر انجام کار به طور کامل و نیکو است. در صورت استفاده صحیح از تشویق، این آثار بر آن مترتب می‌شود: رغبت و شوق به کار، شکوفایی استعدادها، ایجاد اعتماد به نفس، تکرار و تداوم عمل، جهت‌دهی اعمال و کردار کودکان؛ که اینها نتیجه این تحقیق و پاسخ مسئله اصلی است.

منابع:

- ۱- قرآن کریم
- ۲- نهج البلاغه
- ۳- ابن منظور، محمد بن مكرم، (1414 ق)، لسان العرب، دار صادر: بيروت، سوم.
- ۴- امینی، ابراهیم، (1381)، تربیت، بوستان کتاب: قم.
- ۵- حجتی، سید محمد باقر، اسلام و تعلیم و تربیت، چاپ چهارم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۵۸.
- ۶- داوودی، محمد، (1389)، تربیت دینی، سیره تربیتی پیامبر(ص) (و اهل بیت)ع (، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه: قم، ششم.
- ۷- داوود حسینی، جایگاه تشویق و تنبیه در اسلام، ص ۱۲۳.
- ۸- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (1412)، المفردات فی غریب القرآن، دار العلم دار الشام: دمشق- بیروت.
- ۹- رسولی محلاتی سیدهاشم، ترجمه غررالحکم ودررالکلم، ج ۴، ص ۳۶۲، ح ۳۲۹ و ۳۲۸.
- ۱۰- عمید، حسن، (1360)، فرهنگ فارسی عمید، امیر کبیر: تهران، پانزدهم.
- ۱۱- علی محمدرفیعی محمدی، بیست اصل تربیت، انتشارات رسول اعظم(ص)، چاپ ششم، زمستان ۱۳۸۹، ص ۱۶۲.
- ۱۲- عبدالعظیم کریمی، تربیت آسیب زا، انتشارات انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۷۳، ص ۷۶-۷۷.
- ۱۳- مطهری، مرتضی، (1382)، سیری در سیره نبوی، صدرا: تهران، بیست و ششم.
- ۱۴- مصطفی دلشاد تهرانی، ماه مهر پرور، چاپ اول، تهران: خانه اندیشه جوان، ۱۳۷۸.